

تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج: توسعه یک نظریه زمینه‌ای

ابراهیم فتاح پور، سید صمد بهشتی*، رامین مرادی

^۱ گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

چکیده

زمینه و هدف: مدارای اجتماعی نقشی کلیدی در کاهش تنش‌ها و ایجاد صلح پایدار دارد. در زیست‌بوم‌هایی مانند شهر یاسوج که در وضعیت دوگانه سنتی-مدرن قرار دارند، مصادیق زیادی از خشونت و عدم مدارا در بین مردم دیده می‌شود. از اینرو بررسی عوامل مؤثر بر نامداری اجتماعی و خشونت ضروری به نظر می‌رسد. لذا هدف از این مطالعه تعیین و تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج و نهایتاً توسعه یک نظریه زمینه‌ای در این رابطه بود.

روش بررسی: این یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که با روش کیفی و با استفاده از استراتژی نظریه داده بنیاد انجام شد. میدان تحقیق کلیه متخصصین هستند که به نحوی در معرض برخورد با مصادیق عدم مدارا هستند مانند مدیران اجرایی محلی و مشاوران، حقوق دان‌ها، قضات، پرسنل نیروی انتظامی، پرستاران و متخصصین دانشگاهی مانند جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و عالمان علوم سیاسی. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۲۴ نفر از این متخصص جمع‌آوری شد. مشارکت کنندگان با در نظر داشتن تنوع در جنسیت و تخصص بودند و به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به انجام رسید. شیوه تحلیل داده‌ها به این صورت بود که بعد از انجام هر مصاحبه ابتدا مصاحبه مذکور تحلیل می‌شد و بر مبنای این تحلیل مصاحبه‌های بعدی انجام می‌شد. معیار کفایت نمونه‌گیری نیز اشباع نظری بود.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۲۰۱ مفهوم، ۵۷ مقوله فرعی، ۲۱ مقوله اصلی و یک مقوله هسته شد. مقوله‌های اصلی شرایط علی شامل ضعف مهارت‌های اجتماعی، ناکارآمدی نظام حقوقی، چالش‌های اقتصادی و معیشتی و ضعف فرهنگ شهروندی و حقوقی بودند. شرایط زمینه‌ای نیز عواملی چون نابرابری اقتصادی، طایفه‌گرایی، کاهش سرمایه اجتماعی و ضعف سلامت اجتماعی و روانی را شامل می‌شد. در شرایط مداخله‌ای عواملی نظیر: تحقیر در جریان نزاع‌ها، مقابله به مثل عاطفی و ناکارآمدی سازمان‌های متولی نظم و امنیت شناسایی شدند. اعداد و ارقام نوشته و مقدار p نوشته شود.

نتیجه‌گیری: خشونت به‌طور سیستماتیک در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه یاسوج از نسل‌های گذشته به نسل‌های جدید بازتولید می‌شود. همچنین نابرابری‌های اقتصادی، ناکارآمدی نظام اجرایی، خرده‌فرهنگ خشونت‌محور و تعصبات طایفه‌ای از مهم‌ترین عواملی هستند که موجب ایجاد فضای مناسب برای گسترش خشونت و ناامنی اجتماعی می‌شوند و برای حل آنها نیاز به اصلاحات بنیادی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و اجرایی هست.

واژه‌های کلیدی: نامداراگری اجتماعی، خشونت، نظریه زمینه‌ای، یاسوج.

* نویسنده مسئول: سید صمد بهشتی، یاسوج، دانشگاه یاسوج، گروه جامعه‌شناسی

Email: sbeheshty@yu.ac.ir

"نشریه علمی پژوهشی ارمغان دانش وابسته به دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یک نشریه با دسترسی آزاد است و تمامی مقالات منتشر شده در این نشریه به صورت دسترسی آزاد منتشر می‌شوند."

مقدمه

در دهه‌های اخیر، افزایش تعاملات اجتماعی و گسترش شبکه‌های ارتباطی جهانی، فرصت‌های تازه‌ای برای همزیستی فرهنگی فراهم کرده است (۱). با این حال، این شرایط همواره به بهبود روابط اجتماعی منجر نشده و در بسیاری از موارد، تضادها و چالش‌های اجتماعی تشدید شده است (۲). یکی از این چالش‌ها "نامداراگری اجتماعی" است که به عنوان نوعی ناتوانی در پذیرش تفاوت‌ها و مدیریت اختلاف‌ها، می‌تواند منجر به خشونت، نزاع و تنش‌های اجتماعی شود (۳). این مسئله به‌ویژه در جوامعی با تنوع فرهنگی، قومی و اجتماعی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (۴).

شهر یاسوج، به عنوان مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد، با ویژگی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی خود نمونه‌ای بارز از چنین جوامعی است. این شهر به دلیل مهاجرپذیری بالا و تنوع قومی، فرهنگی و اجتماعی، مستعد بروز چالش‌هایی همچون نزاع‌های فردی و گروهی، خشونت‌های قومی و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی است (۵). آمارهای رسمی نشان می‌دهند که نرخ نزاع‌های فردی و جمعی، خشونت‌های اجتماعی و مراجعه‌کنندگان به پزشکی قانونی به دلیل درگیری در این منطقه، نسبت به میانگین کشوری به طور معنی‌داری بالاتر است. در سال ۱۴۰۲، تعداد پرونده‌های مربوط به نزاع در

استان به ۵۸۱۹ مورد رسید که افزایش ۱۰/۴ درصدی نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد (۶). همچنین، گزارش‌ها از افزایش ۲۷ درصدی طلاق در این استان حکایت دارند که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب روابط بین‌فردی و کاهش مداراگری در خانواده‌ها است (۷).

در ایران، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف مدارای اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله هوش فرهنگی، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، قوم‌مداری، جامعه‌پذیری قومی، آنومی، ارزش‌های اجتماعی و احساس امنیت بر مدارای اجتماعی تأثیر دارند. برای مثال، بهشتی و همکاران (۷) تأثیر هوش فرهنگی را در شهر یاسوج و قادرزاده و نصراللهی (۸) نقش سرمایه‌های مختلف را در شهر میاندوآب بررسی کردند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند گلابی و همکاران (۹) و زمانی و همکاران (۱۰) نشان دادند که مدارای اجتماعی مفهومی سیال است که در شرایط مختلف تغییر می‌کند. بررسی‌های دیگری، مانند مطالعه زندی و همکاران (۱۱) و بهشتی و رستگار (۱۲)، به ارتباط قوم‌مداری با مدارا پرداخته و نشان دادند که قوم‌مداری فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری با مدارای اجتماعی دارند، اما قوم‌مداری سیاسی چنین رابطه‌ای ندارد.

در پژوهش‌های خارجی نیز، ورکیوتن و همکاران (۱۳) و ولتیوس و همکاران (۱۴) به اهمیت تحمل و احترام در مدارای بین‌گروهی و تأثیر آن بر کاهش تعصب و بهبود همزیستی فرهنگی اشاره کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهند که مدارای اجتماعی تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارد و رویکردهای متنوعی برای ارتقای آن مورد نیاز است. اگرچه مفهوم مدارا به‌طور گسترده در ادبیات علمی مورد بحث قرار گرفته است (۱۵)، تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر شناسایی ابعاد مدارا و تأثیرات مثبت آن بوده و کمتر به بررسی وضعیت "نامداراگری اجتماعی" و پیامدهای آن پرداخته شده است. شکاف پژوهشی موجود در این حوزه، به‌ویژه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی خاص مانند شهر یاسوج، ضرورت تحلیل این مسئله را برجسته می‌کند.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج و توسعه یک نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا با تحلیل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر بر نامداراگری اجتماعی، راهبردهای کنشگران و پیامدهای اجتماعی این پدیده مورد بررسی قرار گیرد. لذا هدف از این مطالعه تعیین و تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و

خشونت در شهر یاسوج: توسعه یک نظریه زمینه‌ای بود.

روش بررسی

با توجه به حساسیت موضوع و نبود پژوهش پیشین در بافت فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد درباره مدارای اجتماعی، این تحقیق با روش کیفی و استراتژی نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نظریه زمینه‌ای به عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های کیفی، برای تحلیل عمیق و دقیق موضوع تحقیق انتخاب شده است. مشارکت‌کنندگان این تحقیق متخصصانی از شهر یاسوج بودند که به دلیل موقعیت شغلی یا تجربه زیسته خود، با موضوع پژوهش آشنایی داشتند. از میان این افراد، ۲۴ نفر به صورت هدفمند و بر اساس معیار آستانه اشباع نظری انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل دو شرط اصلی بود: نخست، مشارکت‌کننده باید در شهر یاسوج زندگی کرده و تجربه زیسته مرتبط با مدارای اجتماعی در محیط واقعی داشته باشد. دوم، مشارکت‌کننده باید به دلیل موقعیت شغلی یا تخصص خود، آشنایی و درگیری مستقیم با موضوع تحقیق داشته باشد. افرادی که این شرایط را نداشتند یا نمی‌توانستند اطلاعات مفیدی ارائه دهند، به‌طور ضمنی از مطالعه کنار گذاشته شدند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود، ابتدا سؤالات اصلی و محوری طراحی شدند و در جریان مصاحبه‌ها، سؤالات تکمیلی به تناسب موضوع مطرح شدند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شده و میانگین زمان هر مصاحبه ۶۰ دقیقه بود. پس از انجام هر مصاحبه، متن مصاحبه به‌دقت پیاده‌سازی شد و داده‌ها در سه مرحله شامل: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شدند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به آستانه اشباع نظری ادامه یافتند، به این معنا که پس از مصاحبه پایانی یافته جدید و مفهومی حاصل نشد.

برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌ها، پژوهشگر با مشارکت طولانی‌مدت در میدان پژوهش و ارتباط مداوم با مشارکت‌کنندگان نتایج را بررسی و بازبینی کرد. علاوه بر این، یافته‌ها در طول پژوهش به چهار نفر از اساتید و متخصصان روش کیفی ارائه شد و اصلاحات لازم بر مبنای بازخورد آن‌ها انجام گرفت. همچنین، نتایج و تحلیل‌ها برای پنج نفر از مشارکت‌کنندگان ارسال شد و نظرات آن‌ها در تأیید یافته‌ها اعمال گردید. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و به‌طور کامل و با دقت بالا پیاده‌سازی شدند تا از اتکاپذیری داده‌ها اطمینان حاصل شود.

برای رعایت اصول اخلاقی، پیش از انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر تمامی جزئیات پژوهش، اهداف و نحوه استفاده از اطلاعات را به مشارکت‌کنندگان توضیح داد و رضایت آگاهانه آن‌ها را به صورت رسمی دریافت کرد. به‌منظور حفظ حریم خصوصی، از اسامی مستعار برای مشارکت‌کنندگان استفاده شد و اطلاعات به صورت محرمانه نگهداری گردید. همچنین، تمامی مجوزهای لازم از دانشگاه مربوطه اخذ شد تا تمامی مراحل پژوهش مطابق با موازین اخلاقی و علمی پیش رود.

با وجود تلاش پژوهشگر برای رعایت شفافیت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مواردی همچون استفاده از گروه‌های متنوع‌تر از مشارکت‌کنندگان برای بررسی ابعاد مختلف مدارای اجتماعی، ارائه توضیحات دقیق‌تر درباره نحوه انتخاب و اولویت‌بندی کدهای محوری و انتخابی و افزایش تعداد متخصصانی که تأیید نهایی داده‌ها را انجام می‌دهند، مورد توجه قرار گیرد. این روش‌شناسی با تمرکز بر شفافیت در انتخاب مشارکت‌کنندگان و رعایت اصول علمی و اخلاقی، تلاش می‌کند به نتایج معتبر و قابل اتکا دست یابد (جدول ۱).

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

نام	سن	سمت و تخصص	تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه سکونت در محل
حسن	۵۸	مدیر سیاسی، اجرایی	دکتری	حقوق	۵۸
علی	۵۴	مدیر سیاسی، اجرایی	حوزوی	حوزوی	۵۴
شاهین	۴۸	مدیر سیاسی، اجرایی	دکتری	ادبیات	۴۸
باقر	۴۹	مدیر سیاسی، اجرایی	دکتری	علوم سیاسی	۲۰
اکبر	۵۲	عضو هیات علمی دانشگاه	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۵
بهنام	۵۱	وکیل	ارشد	حقوق	۴۰
مصطفی	۵۹	پرسنل نیروی انتظامی	دکتری	فقه و مبانی حقوق	۱۰
امین	۵۷	عضو هیات علمی دانشگاه	دکتری	روانشناسی	۲۵
غدير	۵۸	عضو هیات علمی دانشگاه	دکتری	روانشناسی	۵۸
زهرا	۳۶	مشاور روان‌شناسی	دکتری	روانشناسی	۲۵
جواد	۴۶	مدیر سیاسی، اجرایی	دکتری	علوم سیاسی	۲۰
مهدی	۵۹	مدیر سیاسی، اجرایی	دکتری	علوم سیاسی	۳۰
حسین	۵۸	حقوقدان و قاضی	دکتری	حقوق جزا	۱۷
حمید	۴۰	کارمند	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۳
یوسف	۵۰	کارمند	کارشناسی	علوم اجتماعی	۲۰
تهمینه	۴۴	کارمند	کارشناسی ارشد	علوم ارتباطات	۴۰
صادق	۵۶	حقوقدان و قاضی	دکتری	حقوق	۲۴
جعفر	۶۵	قاضی حقوقدان و	ارشد	حقوق	۴۱
ابراهیم	۷۵	کارشناس	کارشناسی	تاریخ	۴۷
احمد	۶۴	کارشناس	ارشد	علوم اجتماعی	۳۲
آرش	۵۵	وکیل	دکتری	حقوق	۲۲
شاهرخ	۴۳	کارمند	ارشد	علوم قضایی	۴۴
رضا	۳۱	پرستار	ارشد	پرستاری	۱۷
فرشاد	۵۷	کارمند	کارشناسی	مدیریت	۲۷

یافته‌ها

کدگذاری باز به شناسایی عبارات، واژه‌ها و بخش‌هایی از داده‌ها که به موضوع اصلی تحقیق مرتبط هستند، اختصاص داشت. این فرآیند به شناسایی ۲۰۱ مفهوم اولیه منجر شد، کدگذاری محوری: در این مرحله، ارتباطات و روابط بین مفاهیم استخراج شده از کدگذاری باز شناسایی و دسته‌بندی شدند. در این فرآیند، تلاش شد تا مقوله‌های اصلی و فرعی از مفاهیم ایجاد شده، با هم گروه‌بندی شوند. این مرحله باعث شکل‌گیری ۵۷ مقوله فرعی و ۲۱

برای دستیابی به هدف پژوهش، یعنی تحلیل معنایی مدارای اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج و توسعه یک نظریه زمینه‌ای، ابتدا داده‌ها با استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای در چارچوب نظریه داده‌بنیاد تحلیل شدند. این کدگذاری شامل سه مرحله اصلی بود؛ کدگذاری باز: در این مرحله، داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها به دقت بررسی شدند تا مفاهیم اولیه و کلیدی از آن‌ها استخراج گردد.

مقوله اصلی شد و کدگذاری انتخابی: در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌های اصلی و فرعی به‌طور دقیق‌تر تحلیل شدند و یک هسته مرکزی شناسایی گردید. هسته مرکزی به‌عنوان مفهومی که سایر مقوله‌ها حول آن سازمان‌دهی شده‌اند، نقش محوری در نظریه زمینه‌ای پژوهش ایفا کرد.

با استفاده از این سه مرحله کدگذاری، داده‌ها به صورت ساختاریافته تحلیل شدند و یک نظریه زمینه‌ای پیرامون مدارای اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج توسعه یافت. این فرآیند به دقت و به‌طور مستمر انجام شد تا اطمینان حاصل شود که تمام ابعاد و جوانب موضوع مورد تحلیل قرار گرفته است (جدول ۲).

بر اساس جدول ۲، مقوله‌های فرعی و اصلی پدیده مرکزی "بازتولید خشونت" به‌طور سیستماتیک نشان دهنده فرآیندهایی هستند که خشونت را در جامعه بازتولید کرده و ادامه می‌دهند. مقوله اصلی "تداوم خشونت" شامل مقولات فرعی مانند "ادامه نزاع‌های سنتی" و "درگیری‌های پیوسته" است که به‌طور مستقیم بر پایداری خشونت در جامعه تأثیر می‌گذارند. این مقولات فرعی به این معناست که خشونت به‌عنوان یک الگوی فرهنگی و اجتماعی، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به صورت یک روند تکراری در جامعه ادامه می‌یابد. ادامه نزاع‌های سنتی و درگیری‌های پیوسته، باعث می‌شوند که خشونت به‌طور مستمر و مداوم در روابط اجتماعی و فردی حاضر باشد.

مقوله اصلی دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود، "الگوگیری از خشونت‌های سنتی" است که شامل مقولات فرعی "قهرمان‌سازی از منازعین" و "برجسته‌سازی روحیه تقابل‌گرایی" می‌شود. در این مقولات، خشونت‌های گذشته به‌عنوان یک نوع الگوی اجتماعی و فرهنگی بازتولید می‌شوند. قهرمان‌سازی از منازعین به‌معنای تقدیس و بزرگداشت افرادی است که در منازعات خشونت‌آمیز نقش داشتند و این امر می‌تواند موجب تقویت روحیه تقابل‌گرایی و ترویج خشونت در نسل‌های بعدی شود. این مقولات فرعی، نقش رسانه‌ها، آموزش‌ها و روایت‌های فرهنگی در شکل‌گیری و تداوم خشونت را مورد تأکید قرار می‌دهند، که می‌تواند بر رفتارهای اجتماعی و فردی تأثیرگذار باشند (جدول ۲).

در مورد چرایی شکل‌گیری نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج، شرایط و بسترهای اجتماعی این مسئله را می‌توان در سه دسته مورد تحلیل قرار داد: شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و شرایط مداخله‌ای (جدول ۳-۵).

این شرایط به عواملی اشاره دارند که محیط و موقعیت تحقیق را شکل می‌دهند و بر پدیده مورد نظر مؤثرند. این شرایط معمولاً شامل؛ عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و روان‌شناسی هستند که می‌توانند بر پدیده مورد تحقیق اثرگذار باشند.

بر اساس یافته‌های جدول ۳، شرایط زمینه‌ای نامداراگری اجتماعی در شهر یاسوج در هشت زمینه

تشدید احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عمومی می‌انجامد (جدول ۳).

کاهش سرمایه اجتماعی نیز از دیگر زمینه‌های تأثیرگذار است. کاهش اعتماد عمومی، ضعف در ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، کاهش همکاری و همیاری، و بی‌تفاوتی و مسئولیت‌ناپذیری، موجب ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی و افزایش فضای تنش‌آلود و خشونت‌آمیز در جامعه می‌شود. تحولات ناموزون و نابسامانی‌ها از جمله نابسامانی‌ها و آشفتگی‌ها، تغییرات اجتماعی و تفاوت نسلی، مهاجرت فزاینده نیز بر بی‌ثباتی اجتماعی و ایجاد شرایط پرتنش تأثیرگذارند. در نهایت، ضعف سلامت اجتماعی و روانی، شامل؛ ضعف در رضایت اجتماعی و ناامیدی اجتماعی، به افزایش احساس یأس و بی‌اعتنایی به نهادهای اجتماعی و سیاسی دامن می‌زند و بر رشد نامداراگری اجتماعی می‌افزاید. این شرایط زمینه‌ای نشان‌دهنده مجموعه‌ای از عوامل است که برای کاهش نامداراگری اجتماعی نیاز به مداخلات جامع و هماهنگ دارند (جدول ۳).

شرایط علی‌بیانگر وقایع یا اتفاقاتی هستند که مستقیماً برپدیده مرکزی اثر گذار هستند و موجب وقوع یا توسعه آن می‌شوند.

بر اساس یافته‌های جدول فوق، شرایط علی نامداراگری اجتماعی در چهار مقوله اصلی شناسایی شده است. نخست، ضعف مهارت‌ها و تعامل اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز نامداراگری اجتماعی مطرح است. این مقوله شامل؛ ضعف در

اصلی شناسایی شده است که هر یک نقش مهمی در تشدید این پدیده دارند. نخست، نابرابری‌ها و بی‌پشتوانگی اقتصادی به عنوان عامل کلیدی در شکل‌گیری نامداراگری اجتماعی برجسته است. این مقوله شامل؛ نابرابری اقتصادی، نااطمینانی اقتصادی، ضعف سیستم‌های حمایتی و کمبود منابع اقتصادی و اجتماعی است که موجب ایجاد فقر و احساس بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. این شرایط منجر به نارضایتی عمومی و در نهایت تشدید خشونت و نامداراگری در سطح جامعه می‌گردد (جدول ۳).

دوم، رابطه‌مندی و ناکارآمدی اجرایی نیز به عنوان یک زمینه تأثیرگذار در نامداراگری اجتماعی مطرح است. ناکارآمدی نظام اداری، اجرایی و سیاسی، رابطه‌مداری سازمانی و اختلافات اداری محلی - محور از جمله عواملی هستند که به ضعف در عملکرد نهادهای دولتی و افزایش بی‌اعتمادی عمومی منجر می‌شوند. هم‌چنین، خرده‌فرهنگ خشونت‌محور و ترویج ایده‌های انتقام‌جویانه در روابط اجتماعی ستیزه‌جویانه و پذیرش و عادی‌سازی خشونت، شرایط فرهنگی مناسبی را برای رشد خشونت ایجاد می‌کند. مقوله طایفه‌گرایی و تعارض محلی نیز با انتقال تعصبات بین نسلی و نهادینه‌شدن تعلقات طایفه‌ای، تعارض‌های چندگانه و تنوع طایفه‌ای به پیچیدگی‌های اجتماعی می‌افزاید. انزوای جغرافیایی، که شامل محدودیت در دسترسی به خدمات، عدم توسعه زیرساخت‌ها و جدایی فرهنگی و اجتماعی است، نیز به

مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، عدم توانایی در جامعه‌پذیری، ناتوانی در حل تعارضات و ضعف در مهارت‌های گروهی می‌شود. این عوامل موجب تضعیف روابط اجتماعی و افزایش تعاملات منفی در سطح جامعه می‌گردد که خود به گسترش نامداراگری و خشونت کمک می‌کند. دوم، ناکارآمدی نظام حقوقی به عنوان عامل دیگری در بروز نامداراگری اجتماعی شناسایی شده است. پیچیدگی و اطاله دادرسی حقوقی و ضعف در کارایی نظام قضایی از جمله مشکلاتی است که منجر به کاهش اعتماد عمومی به سیستم قضایی و در نهایت تشدید احساس بی‌عدالتی و خشونت می‌شود. سوم، چالش‌های فراگیر اقتصادی و معیشتی نظیر؛ نوسانات شدید اقتصادی، فقر منابع و شرایط بقاگونه و مشکلات مزمن مالی و اقتصادی نیز نقش مهمی در تضعیف امنیت اجتماعی و تقویت شرایط ناپایدار دارند. این وضعیت باعث بروز مشکلات اجتماعی و خشونت‌های مرتبط با نارضایتی عمومی می‌شود، در نهایت ضعف فرهنگ شهروندی و حقوقی که شامل ناتوانی در شناخت حقوق و وظایف قانونی و عدم توانایی در استفاده مؤثر از نظام قضایی است، به افزایش بی‌اعتمادی و ترویج رفتارهای غیرقانونی و نامناسب کمک می‌کند. این مقوله‌ها به طور جمعی شرایط علی بروز نامداراگری اجتماعی را تقویت می‌کنند و نیازمند مداخلات جامع برای اصلاح و بهبود وضعیت موجود هستند (جدول ۴).

این شرایط به عواملی اشاره دارند که بر تأثیر و نحوه بروز و ظهور شرایط علی تأثیر می‌گذارند. این شرایط می‌توانند نقش تعدیل کننده داشته باشند و نحوه و شدت تأثیر شرایط علی بر پدیده مورد مطالعه را تغییر دهند. شرایط مداخله‌ای به عنوان تسهیل‌گر یا مانع برای تحقق یا تغییر یک پدیده عمل می‌نماید. بر اساس یافته‌های جدول فوق، شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر نامداراگری اجتماعی و خشونت در یک مقوله اصلی به نام نابسامانی نهادین و رفتاری شناسایی شده است. این نابسامانی به دو عامل اصلی بازمی‌گردد: نخست، رویه تحقیر و برچسب‌زنی در نزاع‌ها که به طور مستقیم به افزایش تنش‌ها و خشونت در جامعه منجر می‌شود. برچسب‌زنی در نزاع‌ها نه تنها موجب تشدید تضادها می‌شود بلکه می‌تواند به ایجاد دافعه در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و به دنبال آن، به افزایش میزان خشونت و نارضایتی اجتماعی بیانجامد. دوم، ضعف مدیریت سازنده و بهنگام سازمان‌ها است که در شرایط بحرانی، نمی‌تواند به طور مؤثر به مدیریت بحران‌ها و کاهش خشونت‌ها بپردازد. این ضعف در مدیریت سازمان‌ها می‌تواند باعث شود که حل مشکلات اجتماعی به طور مؤثر صورت نگیرد و بحران‌های اجتماعی به ویژه در زمینه نامداراگری اجتماعی تشدید شود. بنابراین، این نابسامانی‌ها به طور مستقیم بر تقویت فضای خشونت‌آمیز و کاهش انسجام اجتماعی در شهر یاسوج تأثیرگذار هستند و ضروری است که مداخلات مدیریتی و

نهادینه شده به منظور بهبود این وضعیت صورت پذیرد (جدول ۵).

در نظریه داده بنیاد، استراتژی به این معنی است که کنشگران بر اثر موجبات علی، چه راهبردهای رفتاری انجام می‌دهند، به چه اعمال و شیوه‌هایی مبادرت و چه تدابیری را به اقتضای زمینه‌ها و شرایط موجود در پیش می‌گیرند. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد این استراتژی‌ها در جدول ۶ زیر آرایه شده است.

بر اساس یافته‌های جدول ۶، راهبردها و استراتژی‌های کنشگران در مواجهه با نامدارایی اجتماعی در شهر یاسوج در سه مقوله اصلی شامل؛ انزوآگرایی، راهبرد صلح جویانه و ستیزه جویی بر ساخت دسته‌بندی شده‌اند. در مقوله انزوآگرایی، کنشگران به دو روش انزوآگزینی و بی‌تفاوتی اجتماعی واکنش نشان می‌دهند که باعث می‌شود از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حل مشکلات اجتماعی خودداری کنند. این راهبرد می‌تواند موجب تضعیف همبستگی اجتماعی و افزایش فاصله میان گروه‌های مختلف در جامعه گردد. در مقوله راهبرد صلح جویانه، کنشگران از روش‌هایی همچون احترام به حقوق دیگران، میانجی‌گیری، حفظ بی‌طرفی، خونسردی، سازگاری و تحمل استفاده می‌کنند تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری کنند و به‌نوعی به ایجاد فضای آرام‌تر و مثبت‌تر در جامعه کمک نمایند. در این راستا، این استراتژی‌ها می‌توانند به تقویت همبستگی

اجتماعی و کاهش تنش‌های موجود در سطح جامعه منجر شوند.

با این حال، با توجه به نتایج این تحقیق، مشخص نیست که کدام یک از این استراتژی‌ها در جامعه مورد مطالعه رایج‌تر یا مؤثرتر هستند. به‌ویژه، در برخی شرایط ممکن است افراد بیشتر تمایل به استفاده از راهبردهای انزوآگراییانه داشته باشند، زیرا ممکن است به عنوان واکنشی به بی‌اعتمادی یا عدم حمایت اجتماعی در جامعه شکل گیرد. در عین حال، استراتژی صلح جویانه می‌تواند در میان گروه‌های خاص یا افرادی که به دنبال حفظ روابط صلح‌آمیز هستند، مؤثرتر باشد. از سوی دیگر، ستیزه‌جویی بر ساخت که شامل رویه‌های تعارض و انتقام‌جویی است، ممکن است در شرایطی که تنش‌ها به اوج خود می‌رسند، به‌ویژه در میان گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی رایج‌تر شود. بنابراین، بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از این استراتژی‌ها در جامعه یاسوج نیازمند تحلیل بیشتر و بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن منطقه است (جدول ۶).

عدم تحمل و مدارا در جامعه می‌تواند پیامدهای فراوانی داشته باشد که به تضعیف روابط اجتماعی و ایجاد تنش متعدد منجر می‌شود. در اینجا به توضیح و تشریح پیامدهای عدم مدارا در زمینه‌های مختلف پرداخته می‌شود: بر اساس نتایج جدول ۷، پیامدهای وضعیت فعلی نامدارایی اجتماعی در شهر یاسوج به طور جزئی و عمیق بررسی نشده‌اند و

تحلیل دقیق از تأثیرات بلندمدت آن‌ها بر ساختار اجتماعی و توسعه منطقه ضروری است. بر اساس یافته‌ها، پیامدهای نامدارایی اجتماعی در سه مقوله اصلی از جمله؛ خشونت و ناامنی اجتماعی، کاهش همگرایی توسعه‌ای و آنومی شناسایی شده‌اند. این پیامدها در بلندمدت می‌توانند تأثیرات منفی عمیقی بر انسجام اجتماعی و فرآیندهای توسعه‌ای داشته باشند. خشونت و ناامنی اجتماعی، به ویژه ناامنی فزاینده و خشونت رفتاری، می‌توانند منجر به کاهش اعتماد عمومی و تشدید بحران‌های اجتماعی شوند، که این خود باعث محدود شدن فرصت‌های توسعه‌ای و کاهش انگیزه برای مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. در نتیجه، این امر موجب بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی جدیدی می‌شود که بر ثبات و رشد منطقه‌ای تأثیر منفی می‌گذارد.

از سوی دیگر، کاهش همگرایی و هم‌افزایی توسعه‌ای به عنوان یکی دیگر از پیامدهای مهم نامدارایی اجتماعی، می‌تواند موجب تضعیف توان

توسعه‌ای منطقه و تحلیل سرمایه‌های اجتماعی گردد. در چنین شرایطی، انسجام و همبستگی میان گروه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و این مسئله می‌تواند باعث به وجود آمدن تعارضات فزاینده و کاهش همکاری میان اعضای جامعه شود. این موضوع به ویژه در بلندمدت به توسعه پایدار منطقه آسیب خواهد زد. همچنین، آنومی و تعارض منافع نیز از دیگر پیامدهای برجسته است که در آن افراد به دنبال منافع شخصی خود بدون توجه به قوانین و هنجارهای اجتماعی خواهند بود. این مسئله می‌تواند به افزایش آشفتگی اجتماعی، قانون‌گریزی و فروپاشی نظم اجتماعی منجر شود و به طور مستقیم بر کیفیت زندگی و فرآیندهای توسعه‌ای تأثیر بگذارد. در مجموع، تحلیل دقیق و جامع‌تری از این پیامدها می‌تواند به درک بهتر تأثیرات بلندمدت آن‌ها بر ساختار اجتماعی و توسعه منطقه‌ای کمک کند (جدول ۷).

در مدل پارادایمی، رابطه بین مقوله‌های استخراج شده وضعیت نامداراگری اجتماعی و خشونت نشان داده شده است (نمودار ۱).

جدول ۲: مقوله‌های فرعی و اصلی پدیده مرکزی: بازتولید خشونت

مقولات اصلی	مقولات فرعی
تداوم خشونت	ادامه نزاع‌های سنتی درگیری‌های پیوسته قهرمان‌سازی از منازعین برجسته‌سازی روحیه تقابل‌گرایی
الگوگیری از خشونت‌های سنتی	

جدول ۳: مقوله‌های فرعی و اصلی شرایط زمینه‌ای نامداراگری اجتماعی و خشونت

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
نابرابری‌ها و بی‌پشتوانگی اقتصادی	نابرابری اقتصادی	دسترسی نابرابر به فرصت‌ها، درآمدهای نابرابر، ثروت و دارایی نابرابر، شکاف اقتصادی بی‌ثباتی اقتصادی، بی‌اعتمادی به آینده کسب‌وکار، نبود اعتماد به رخدادهای مالی و اقتصادی، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن آینده فعالیت‌های اقتصادی، نبود چشم‌انداز روشن از وضعیت اقتصادی
ضعف سیستم‌های حمایتی	ضعف سیستم‌های حمایتی	حمایت‌های ناقص اقتصادی، نظام نامناسب حمایتی، ضعف شناخت نهادهای حمایتی از نیازمندان
ناکارآمدی نظام اداری، اجرایی و سیاسی	کمبود منابع اقتصادی - اجتماعی	کمبود فرصت‌های شغلی، کمبود منابع مالی، خدمات ناکافی اقتصادی و اجتماعی، نامتناسب بودن نیازها و منابع اقتصادی، کمبود خدمات اجتماعی
رابطه‌مندی و ناکارآمدی اجرایی	رابطه مداری سازمانی	ضعف عملکرد نهادهای، ناتوانی نهادهای در شناخت تحولات و نیازهای جامعه، اثربخشی ضعیف در مدیریت اجرایی و اداری، دانش‌محور نبودن مناسبات اداری
اختلافات اداری محلی - محور	رابطه مداری سازمانی	خویشاوندگرایی، محلی‌گرایی، طایفه‌محوری مناسبات سازمانی، محوریت قراردادن نزدیکان و آشنایان، پارتی‌بازی در چرخه سازمانی
خرده فرهنگ خشونت محور	اختلافات اداری محلی - محور	رقابت‌های محلی در نهادهای، جدل و منازعه گروه‌های محلی در سازمان‌ها، تسلط روابط بر ضوابط
طایفه‌گرایی و تعارض محلی	روابط اجتماعی ستیزه‌جویانه	خشونت به‌عنوان راه‌حل، تجربه خشونت‌گرایی در اختلاف‌ها، اختلافات سنتی مبتنی بر ستیز، خشونت و نزاع محلی
تنوع طایفه ای	ترویج ایده‌های انتقام‌جویانه	وجود پنداشت انتقام‌جویی، باور به تلافی‌گری در منازعات، انتقام به عنوان راهبرد رویارویی
تجربه مهاجرت و تعارض‌های مهاجر- میزبان	پذیرش و عادی‌سازی خشونت	قبیح‌زدایی از خشونت و نزاع، خشونت به عنوان نماد برتری، خشونت به عنوان حق جبران
محدودیت در دسترسی به خدمات	انتقال تعصبات بین نسلی	الهام‌گیری از تعصب گذشتگان، تکرار رفتارهای متعصبانه نسل‌های پیش، افتخار به رفتارهای متعصبانه قدیمی‌ها
انزوای جغرافیایی	نهادینه شدن تعلق و تعصبات طایفه‌گرایی	حمایت از ایل و تبار، اولویت دادن به طایفه در همه امور، تعصب کور نسبت به خویشاوندان و هم‌محلی‌ها، تعصبات ریشه دار از گذشته
عدم توسعه زیرساخت‌ها	تعارض‌های چند گانه	تعارض بومی‌ها با غیر بومی‌ها، اختلاف بین گرمسیری‌ها و سردسیری‌ها، تعارض‌های شهرستانی، تعارض طایفه‌ای، تعارض مناطق همجوار بر سر منابع آبی و زراعی
جدایی فرهنگی و اجتماعی	تنوع طایفه ای	وجود طوایف گوناگون، تقسیم‌بندی شدید طایفه‌ای و ایلی، تیره‌های گوناگون، مرزبندی سنتی طوایف با یکدیگر، سکونت افراد طوایف گوناگون در یک سکونتگاه
کاهش سرمایه اجتماعی	تجربه مهاجرت و تعارض‌های مهاجر- میزبان	وجود مهاجرین روستایی و عشایری، همجواری مهاجرینی از شهرستان‌ها و طوایف دیگر، اختلاف مهاجرین و افراد بومی
بی‌تفاوتی و مسئولیت ناپذیری	محدودیت در دسترسی به خدمات	کمبود خدمات ضروری بهداشتی، کمبود خدمات فنی- صنعتی، وابستگی فنی و پزشکی به استان‌های همجوار، ضعف در خدمات آموزشی
تاب‌سامانی و آشفتگی	عدم توسعه زیرساخت‌ها	راه‌های نامناسب، ضعف امکانات زیربنایی شهری، ضعف تأسیسات انرژی (برق، نفت و گاز)، ضعف در امکانات ارتباطات و فناوری اطلاعات
تحولات ناموزون و نابسامانی	جدایی فرهنگی و اجتماعی	در بن بست بودن شهرستان، تبادل کم فرهنگی با مناطق دیگر کشور، انزوای جغرافیایی، دور افتادگی از تحولات جدید
ضعف سلامت اجتماعی و روانی	کاهش اعتماد عمومی	وجود بی‌صدافتی، اعتماد نکردن به افراد، بی‌اعتمادی به برخی اصناف و مشاغل، تجربه ناخوشایند از اعتماد به دیگران
مهاجرت فزاینده	ضعف در ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی	گوشه‌گیری، جدا نگه داشتن خود از دیگران، حضور نیافتن در جمع، کمترین ارتباط و دید و بازدید با دیگران، عضویت نداشتن در گروه‌ها و انجمن‌ها
ضعف رضایت اجتماعی	کاهش همکاری و همیاری	کمک نکردن به دیگران، ضعف روحیه همکاری، کاهش میزان دستگیری از فقرا و ناتوانان، کاهش مشارکت در امور خیر و امدادی
نامیدی اجتماعی	بی‌تفاوتی و مسئولیت ناپذیری	بی‌توجهی به مشکلات دیگران، فقط به خود فکر کردن، نبود حس دلسوزی برای دیگران، نپذیرفتن مسئولیت هیچ کاری، ضعف در انجام وعده‌ها،
تاب‌سامانی و آشفتگی	تاب‌سامانی و آشفتگی	گسترش قانون شکنی، دست به خشونت بردن برای تلافی، گسترش ناامنی در محله‌ها و بین طوایف، کاهش آرامش اجتماعی
تحولات ناموزون و نابسامانی	تغییرات اجتماعی و تفاوت نسلی	تغییر سریع در سبک زندگی، تغییر در علائق جوانان، فاصله بین جوانان و بزرگسالان به دلیل تغییرات سریع، تغییرات در ساختار خانوادگی
مهاجرت فزاینده	مهاجرت فزاینده	افزایش میل جوانان برای مهاجرت به مناطق دیگر کشور، افزایش مهاجرت به خارج از کشور، مهاجرت نخبگان از استان و شهرستان، مهاجرت روستائیان به مرکز شهرستان، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی مهاجران
ضعف رضایت اجتماعی	ضعف رضایت اجتماعی	نبود نشاط اجتماعی، کاهش میزان دلخوشی‌ها از زندگی، کاهش دامن‌ه تحمل افراد
نامیدی اجتماعی	نامیدی اجتماعی	افزایش میزان استرس، افزایش دل‌نگرانی نسبت به آینده، کاهش احساس امنیت اجتماعی

جدول ۴: مقوله‌های فرعی و اصلی شرایط علی تأثیرگذار بر نامداری اجتماعی و خشونت

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
ضعف مهارت‌ها و تعامل اجتماعی	ضعف مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی	ضعف در ارتباطات بین فردی، ناتوانی در روابط اجتماعی سازنده، ناتوانی در آیین گفتگو، عدم آموزش درک تفاوت‌ها و شباهت‌های بین خرده فرهنگ‌ها، ناتوانی در شناخت مناسبات اجتماعی، ضعف آموزش قواعد و موازین عرفی و قانونی، عدم یادگیری سبک‌های ارتباطی
	ضعف جامعه پذیری	وجود نگاه ضدیت محور در تعاملات اجتماعی، وجود رفتارهای تلافی جویانه و رقابتی، ناکافی بودن پذیرش تمایز
	ناتوانی در حل تعارضات	ناتوانی در کارهای جمعی و گروهی، گوشه گیری اجتماعی در فعالیتهای، ضعف در تعامل گروهی
	ضعف در مهارت‌های گروهی	طولانی بودن پیگیری قضائی، خسته کننده بودن مراحل پیگیری قضائی، دیونسالاری شدید در امور قضائی
ناکارآمدی نظام حقوقی	پیچیدگی و اطاله دادرسی حقوقی	کاستی در فرایندهای قضائی، وجود قصورات در رسیدگی‌های قضائی، صدور احکام دور از انتظار در فرایندهای قضائی
	ضعف در کارایی نظام قضایی	بی ثباتی قیمت‌ها، تغییر مداوم بهای کالاها، سیاست‌های متغیر اقتصادی
	اقتصاد ناپایدار (نوسانات شدید اقتصادی)	برآورده نشدن نیازهای واقعی، کمبود کالاها، تلاش برای زنده ماندن، آرزومند رفاه
چالش‌های فراگیر اقتصادی و معیشتی	فقر منابع و حاکم بودن شرایط بقا گونه	تورم و گرانی فزاینده، نبود پشتوانه مالی، محرومیت فزاینده، ناتوانی در تامین مایحتاج، نامتناسب بودن دخل و خرج، درگیر رفع نیاز ضروری
	مشکلات مزمن مالی و اقتصادی	ناآگاهی به حقوق فردی و اجتماعی، اطلاع نداشتن از وظایف اجتماعی، بی اطلاعی از قوعد رسمی، نداشتن شناخت از مراجع و ضوابط قانونی
ضعف فرهنگ شهروندی و حقوقی	ناتوانی در شناخت حقوق و وظایف قانونی	بی اطلاعی از روند دادرسی قضائی، احساس ناتوانی در پیگیری امور قضائی، ضعف آگاهی از نظام قضائی و عناصر آن
	ناتوانی در استفاده موثر از نظام قضایی	

جدول ۵: مقوله‌های فرعی و اصلی شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر نامداری اجتماعی و خشونت

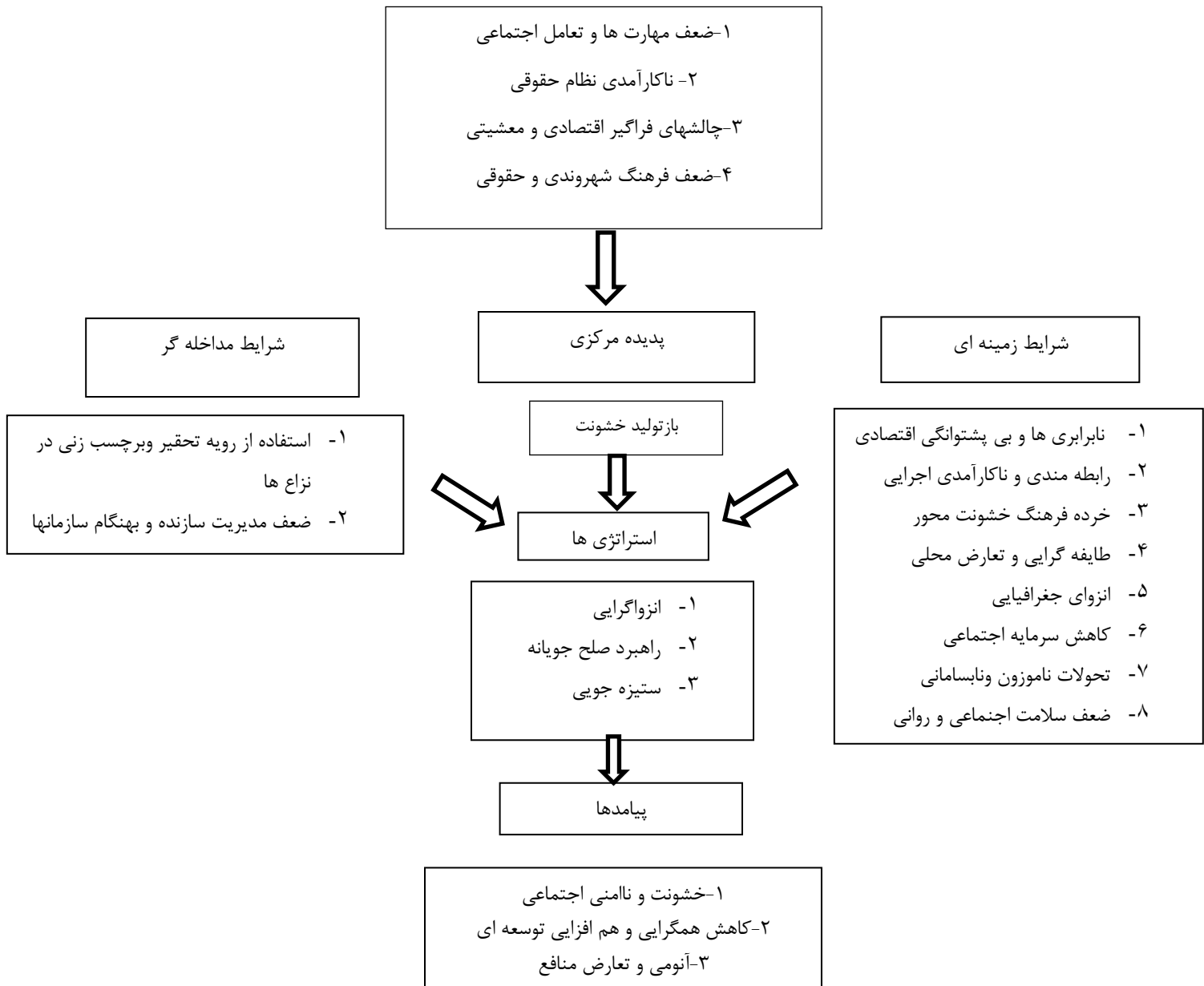
مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
نابسامانی نهادین و رفتاری	رویه تحقیر و برچسب زنی در نزاع‌ها	ناسزا و توهین در نزاع‌ها، تهمت زنی، تخریب وجهه افراد، بدنام کردن افراد
	ضعف مدیریت سازنده و بهنگام	عملکرد نادرست سازمانها، تعلل سازمانها در انجام وظایف خود، ضعف مسئولیت پذیری سازمانی، اقدام‌های دیرنگام سازمانها در کاهش تعارضات
	سازمان‌ها	

جدول ۶: مقوله‌های فرعی و اصلی استراتژی‌های مواجهه با نامداراگری اجتماعی و خشونت

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
انزواگرایی	انزواگزینی	گوشه گیری، ورود پیدا نکردن به مسائل اجتماعی، کم کردن میزان ارتباطات اجتماعی، بیزار شدن از همه کس
	بی تفاوتی اجتماعی	منفعل بودن در حل مشکلات، تنها به فکر زندگی خود بودن، دغدغه دیگران را نداشتن، خود را مسئول ندانستن، عافیت طلبی
راهبرد صلح جویانه	احترام به حقوق دیگران	رفتار منصفانه، توجه به موازین قانونی، توجه به خواست به حق دیگران، ضایع نکردن حق و حقوق دیگران
	میانجیگری و حفظ بیطرفی	سوگیری نداشتن به سمت طرفین اختلاف، رعایت بیطرفی، تلاش برای کاهش نزاع و اختلاف دیگران، ترغیب طرفین به خونسردی
ستیزه جویی	خونسردی، سازگاری و تحمل	حفظ خونسردی خود، کنترل هیجانات شخصی، فروخوردن خشم، تلاش برای رسیدن به راه حل صلح جویانه، شکیبایی در برابر ناملایمات
	رویه تعارض	دامن زدن به اختلافات، کینه جویی، افزایش دامنه اختلاف، تلاش برای ضربه زدن به فرد طرف دعوا، تلافی کردن زیانهای تجربه شده، خط و نشان کشیدن طرفین منازعه،
	انتقام جویی	

جدول ۷: مقوله‌های فرعی و اصلی پیامدهای نامداراگری اجتماعی و خشونت

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
خشونت و ناامنی اجتماعی	ناامنی فزاینده	گسترش ناامنی، کاهش احساس امنیت، افزایش احساس هراس اجتماعی
	خشونت رفتاری	افزایش خشونت، افزایش نزاع‌های فردی و جمعی، فراگیر شدن خشونت گفتاری در مراودات اجتماعی
کاهش همگرایی و هم افزایی توسعه ای	تضعیف توان توسعه ای	کاهش هم‌افزایی، عدم سرمایه گذاری، فرار سرمایه گذاران، توسعه نیافتگی، کاهش همکاری
	تحلیل سرمایه‌ها و تعارض فزاینده	خروج سرمایه‌های انسانی، کاهش روحیه صلح طلبی، کاهش اعتماد اجتماعی، بروز چند دستگی در بین کنشگران اقتصادی و اجتماعی
آنومی و تعارض منافع	منفعت جویی و قانون گریزی	رفتارهای خودخواهانه، بی توجهی به منافع جمعی، گسترش قانون گریزی
	آشفته‌گی اجتماعی	هرج و مرج و بی نظمی اجتماعی، آشفتگی در امور جامعه، مختل شدن ارزش‌های اجتماعی، بی توجهی به جایگاه اجتماعی و شایستگی افراد



نمودار ۱: مدل پارادایمی پژوهش

بحث

وجود مهاجرپذیری بالا و تنوع قومی، فرهنگی و اجتماعی در شهر یاسوج این شهر را مستعد بروز چالش‌هایی هم‌چون نزاع‌های فردی و گروهی، خشونت‌های قومی و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی است (۵). برخی آمار وقایع و نیز وجود آمارهای بالای نزاع‌های فردی و جمعی و نیز روند افزایشی طلاق در این استان حکایت از وضعیت نامطلوب روابط بین‌فردی و کاهش مداراگری هم در بین مردم و هم درون خانواده‌ها دارد (۷ و ۶). با این توصیف هدف از این مطالعه تعیین و تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج: توسعه یک نظریه زمینه‌ای بود.

استان کهگیلویه و بویراحمد، به ویژه شهر یاسوج، دارای ساختار ایلی و عشیره‌ای است که تأثیرات آن در تمام جنبه‌های روابط اجتماعی، از جمله؛ ازدواج، همسایگی و تعاملات اداری، مشهود است. آمارهای پزشکی قانونی وضعیت نامطلوب مدارا و تساهل اجتماعی در این منطقه را نشان می‌دهند. یاسوج با پیشینه تاریخی بلند و تحولات عمده، به یک مرکز جمعیتی تبدیل شده و افزایش جمعیت آن از سال ۱۳۴۵ تا کنون نشان‌دهنده تغییرات جمعیتی و مهاجرت گسترده است. این مهاجرت‌ها موجب تشکیل محله‌هایی با ساختارهای اجتماعی مبتنی بر طوایف و تعلقات ایلی شده است.

با توجه به عدم شکل‌گیری مدارای اجتماعی

مطلوب در این منطقه، این پژوهش با هدف تحلیل معنایی نامداراگری اجتماعی و خشونت در شهر یاسوج: توسعه یک نظریه زمینه‌ای اجرا شد. با توجه به یافته‌ها، پدیده بازتولید خشونت در جامعه یاسوج به طور پیچیده و سیستماتیک از فرآیندهایی برخوردار است که خشونت را به شکل مستمر و نسل به نسل بازتولید می‌کند. این پدیده در قالب مقولات مختلفی هم‌چون «تداوم خشونت»، «الگوگیری از خشونت‌های سنتی»، «قهرمان‌سازی از منازعین»، و «برجسته‌سازی روحیه تقابل‌گرایی» بروز می‌کند. این مقولات نشان‌دهنده تأثیرات عمیق فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای در تقویت خشونت در جامعه هستند که به طور مستقیم در روابط فردی و اجتماعی تأثیرگذارند. به عبارت دیگر، خشونت به عنوان یک رفتار تکراری و الگویی در جامعه جا افتاده و نسل‌ها آن را از یکدیگر می‌آموزند. از منظر جامعه‌شناسی، پدیده "بازتولید خشونت" را می‌توان به‌طور عمده در چهارچوب نظریه‌های فرهنگی و اجتماعی تحلیل کرد. یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه فرایند اجتماعی‌شدن است (۱۶). بر اساس این دیدگاه، افراد از طریق تعاملات اجتماعی و تجربه‌های فرهنگی به ارزش‌ها و هنجارهایی دست می‌یابند که بر رفتارهای اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. در این راستا، خشونت به عنوان یک رفتار یاد گرفته شده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. نظریات پیر بوردیو در خصوص "سرمایه

فرهنگی" و "سرمایه اجتماعی" نیز می‌توانند برای توضیح چگونگی بازتولید خشونت در جامعه مفید باشند (۱۷). به‌ویژه، هنگامی که خشونت به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی یا اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در طول زمان به یک سرمایه اجتماعی تبدیل شود که به تقویت و تداوم خشونت در روابط اجتماعی کمک می‌کند.

در این زمینه، شرایط اجتماعی خاصی در شهر یاسوج به عنوان زمینه‌ساز خشونت و نامداراگری اجتماعی شناخته شده است. این شرایط در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی می‌شود: شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر. بر اساس یافته‌های این پژوهش نابرابری‌های اقتصادی، ضعف سیستم‌های حمایتی، طایفه‌گرایی، ضعف سلامت اجتماعی و روانی و کاهش سرمایه اجتماعی از جمله عواملی زمینه‌ای هستند که خشونت و نامداراگری اجتماعی را تشدید می‌کنند. این شرایط، علاوه بر نارضایتی عمومی، موجب شکل‌گیری فضای اجتماعی پرتنش و خشونت‌آمیز می‌شوند. نابرابری‌های اقتصادی، کمبود منابع و احساس بی‌عدالتی اجتماعی، به ویژه در جوامع با ساختارهای اقتصادی ضعیف، می‌تواند موجب فرآیندهای طبقه‌ای و تضادهای اجتماعی شود که به افزایش خشونت کمک می‌کند (۱۸). از دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک هم‌چون؛ کارل مارکس، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند منجر به ایجاد تنش‌های طبقاتی شوند که در نهایت به بحران‌ها و خشونت‌های اجتماعی می‌انجامد. این

وضعیت به‌ویژه در جوامعی که فاقد نهادهای حمایتی قوی هستند، برجسته‌تر می‌شود.

در زمینه شرایط علی، مشخص گردید که عواملی مانند؛ ضعف مهارت‌های اجتماعی، ناکارآمدی نظام حقوقی، چالش‌های اقتصادی و ضعف فرهنگ شهروندی به‌طور مستقیم بر بروز خشونت و بی‌عدالتی در جامعه تأثیرگذارند. این عوامل به ایجاد فضایی مساعد برای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز کمک کرده و موجب تشدید وضعیت نامداراگری اجتماعی می‌شوند. ترویج ایده‌های انتقام‌جویانه و تعصب‌های طایفه‌ای در میان گروه‌ها، به ویژه در مناطقی که هویت‌های قومی و طایفه‌ای نقش برجسته‌ای دارند، می‌تواند موجب گسترش خشونت شود (۲۰ و ۱۹). در این زمینه، نظریه‌های ماکس وبر و انسجام اجتماعی می‌توانند مفید باشند. طبق نظریه وبر، وقتی گروه‌ها احساس کنند که هویت‌های خود تهدید شده‌اند، این تهدید می‌تواند به افزایش تعارضات و خشونت‌ها منجر شود (۲۱).

در شرایط مداخله‌گر، نابسامانی‌های مدیریتی و رویه تحقیر و برچسب‌زنی در نزاع‌ها عامل اصلی در تشدید تنش‌ها و خشونت‌ها شناخته شده‌اند. ضعف در مدیریت بحران‌ها و عدم توانایی در حل اختلافات به‌طور مؤثر، وضعیت اجتماعی را پیچیده‌تر کرده و به تقویت فضای خشونت‌آمیز در جامعه می‌انجامد. در شرایطی که نهادهای اجتماعی، اقتصادی و قضایی ضعیف عمل می‌کنند، از دیدگاه جامعه‌شناسی نظریه‌های نهادگرایی مانند نظریه نهادهای اجتماعی

می‌توانند توضیح دهند که چگونه ناکارآمدی این نهادها به تشدید خشونت کمک می‌کند (۲۲). برچسب‌زنی در نزاع‌ها، ضعف در مدیریت بحران‌ها و ناتوانی در حل مشکلات اجتماعی، همه به شکاف‌ها و تنش‌های اجتماعی دامن می‌زند و به‌طور مستقیم بر انسجام اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد.

در واکنش به این وضعیت، سه راهبرد عمده از سوی کنشگران شناسایی شده است: «انزواگرایی»، «راهبرد صلح‌جویانه»، و «ستیزه‌جویی». در حالی که انزواگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی می‌تواند منجر به تقویت فاصله میان گروه‌ها و کاهش همبستگی اجتماعی شود، راهبرد صلح‌جویانه با استفاده از میانجی‌گری و احترام به حقوق دیگران، فضای مثبت‌تری را در جامعه ایجاد می‌کند. در عین حال، ستیزه‌جویی برساخت، به‌ویژه در شرایط بحرانی، موجب تشدید تنش‌ها و تشویق به رفتارهای انتقام‌جویانه می‌شود. در ارتباط با راهبردهای اجتماعی، می‌توان به نظریه کنش اجتماعی و تعامل نمادین اشاره کرد که می‌گویند افراد و گروه‌ها از طریق ارتباطات روزمره و تعاملات اجتماعی، به‌طور پیوسته به بازسازی هویت‌های اجتماعی و رفتاری خود می‌پردازند. در این چارچوب، استراتژی‌های مختلف همچون انزواگرایی، صلح‌جویی یا ستیزه‌جویی به‌طور مستمر در تعاملات اجتماعی تولید و بازتولید می‌شوند و می‌توانند بر توسعه یا کاهش خشونت در جامعه تأثیر بگذارند. این نوع واکنش‌ها همچنین ممکن

است به نهادینه شدن فرهنگ خشونت و گسترش آن در سطح جامعه منجر شود.

در نهایت، پیامدهای وضعیت فعلی نامداراگری اجتماعی شامل؛ خشونت و ناامنی اجتماعی، کاهش همگرایی توسعه‌ای و آنومی است. این پیامدها می‌توانند به‌طور جدی بر ساختار اجتماعی، اعتماد عمومی و فرآیندهای توسعه‌ای تأثیر منفی بگذارند و موجب کاهش انگیزه‌های مشارکت اجتماعی و اقتصادی شوند. پیامدهای خشونت و ناامنی اجتماعی می‌تواند در تحلیل جامعه‌شناختی با استفاده از نظریه آنومی (دورکیم) و نظریه بی‌نظمی اجتماعی (مارتین لیپم) تحلیل شود. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که زمانی که اعضای جامعه دچار بحران‌های هویتی، اقتصادی و اجتماعی می‌شوند، ممکن است احساس بی‌اعتمادی به نهادهای اجتماعی ایجاد شود که خود موجب تضعیف هنجارهای اجتماعی و افزایش رفتارهای غیرقانونی و خشونت‌آمیز می‌شود. این پیامدها در درازمدت می‌تواند باعث کاهش همکاری اجتماعی و مشارکت در فرآیندهای توسعه‌ای شده و روندهای اجتماعی را به سوی آنومی و بی‌نظمی سوق دهد.

در نهایت باید گرفت که، این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود که بر فرآیند اجرا تأثیر گذاشت. نخست، به دلیل حساسیت موضوع مدارای اجتماعی و خشونت، برخی از مشارکت‌کنندگان در بیان تجربیات خود احساس نگرانی داشتند که این امر نیازمند ایجاد فضای اعتماد و اطمینان بود. دوم، انجام مصاحبه‌های حضوری با مشارکت‌کنندگان متخصص

و درگیر در موضوع، به دلیل مشغله شغلی آن‌ها و محدودیت زمانی، دشوار بود. سوم، زمینه فرهنگی خاص استان کهگیلویه و بویراحمد، از جمله تأثیر طایفه‌گرایی و خرده‌فرهنگ‌ها، ممکن است بر پاسخ‌ها و میزان صداقت مشارکت‌کنندگان تأثیر گذاشته باشد. چهارم، دسترسی محدود به منابع پیشین و نبود پژوهش‌های مشابه در این زمینه در بافت فرهنگی منطقه، چالش دیگری بود که تحلیل داده‌ها را پیچیده‌تر کرد. همچنین، تحلیل داده‌ها و کدگذاری آن‌ها به روش نظریه‌پردازی داده‌محور به زمان و دقت بالایی نیاز داشت که اجرای آن را زمان‌بر کرد. در نهایت باید گفت که پژوهش کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای به دلیل انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان و حجم محدود نمونه، برای تعمیم نتایج به کل جامعه محدودیت دارد. در اینجا، مشارکت‌کنندگان فقط از شهر یاسوج انتخاب شده‌اند، که ممکن است دیدگاه‌ها و تجربیات خاص فرهنگی و اجتماعی آن منطقه را منعکس کند، لذا جهت رفع این محدودیت پیشنهاد انجام پژوهش‌های مشابه در سایر مناطق ارایه می‌گردد.

برای کاهش خشونت و نامداریگری اجتماعی در شهر یاسوج، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها تقویت شود تا نوجوانان و جوانان با مفاهیم صلح، همکاری و حل تعارض آشنا شوند. همچنین، تقویت سیستم قضایی و استفاده از روش‌های میانجی‌گری در حل اختلافات می‌تواند از تنش‌های اجتماعی بکاهد. ایجاد و تقویت نهادهای

حمایتی اقتصادی و اجتماعی برای اقشار آسیب‌پذیر، بهبود زیرساخت‌ها برای دسترسی بهتر به خدمات عمومی و برگزاری برنامه‌های مشترک میان گروه‌های اجتماعی مختلف به منظور تقویت همبستگی و کاهش تنش‌های محلی نیز از جمله راهکارهای مؤثر خواهد بود. این اقدامات به‌طور جامع و هماهنگ می‌تواند در کاهش خشونت و ارتقاء همبستگی اجتماعی مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که عدم تساهل و نامداریگری اجتماعی و خشونت در زیست‌بوم نیمه‌سنتی شهر یاسوج تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل چندبعدی قرار دارد و موجب می‌شوند خشونت به‌طور سیستماتیک در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه یاسوج بازتولید شود. الگوگیری از خشونت‌های سنتی، وجود نابرابری‌های اقتصادی، ناکارآمدی نظام اجرایی، خرده‌فرهنگ خشونت‌محور و تعصبات طایفه‌ای، کاهش سرمایه اجتماعی، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و به دنبال آن ایجاد فضایی پرتنش در جامعه، ضعف در مهارت‌های اجتماعی، ناکارآمدی نظام حقوقی، و ضعف مدیریت بحران‌ها، عواملی هستند که نشان می‌دهند برای جلوگیری از نامداریگری در این شهر نیاز به اصلاحات بنیادی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و اجرایی هست.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمامی اساتید و دانشجویانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی در این مطالعه نداشتند.

حمایت مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی با کد اخلاق IR.YUMS.REC.1404.081 از دانشگاه یاسوج می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در جستجوی منابع، روش پژوهش، نمونه‌گیری، جمع‌آوری و تحلیل آنها مشارکت داشته‌اند.

REFERENCES

- 1.Niazi M, Aghabozorgizadeh S, Gudarzi A. Meta-Analysis of Studies on the Relationship between Social Capital and Social Tolerance in Iran in the Years 1388-1398/2009-2019. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences 2022; 18(2): 26-1.
- 2.Habermas J. *The Theory of Communicative Action: Reason and the Rationality of Society* (K. Pouladi, Trans). Nashr-e Markaz, Tehran. 2013
- 3.Sojoodi a, Niazi M, Naghipoor S. Meta-analysis of studies on the relationship cultural capital and social tolerance (with an emphasis on age category moderator variables). Religion & Communication 2024; 31(1): 209-36.
- 4.Huntington S. Political order in changing societies (m. salasi, trans). Tehran: Nashr-e 'Elm; 1991
- 5.Beheshti S, Naraghimanesh M, Naraghimanesh S. Sociological explanation of the relationship between cultural intelligence and social tolerance among baloch people. Strategic Research on Social Problems 2023; 12(4): 101-22.
- 6.Mirfardi A, Ahmadi S, Sadeqnia A. Tendency level toward collective quarrel among men ranging from 15 to 65 years of age in boyerahmad and factors contributing to it. Societal Security Studies 2011; 2(1): 147-77.
- 7.Beheshty S, Alizade Arand M, Kanani Z. Sociological explanation of relationship between cultural intelligence and social tolerance among Yasouj citizens. Strategic Research on Social Problems 2019; 8(2): 87-106.
- 8.Ghaderzadeh O, Nasrollahi Y. Social Tolerance in multicultural societies: a survey of the Miyandoab citizens. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences 2019; 16(1): 89-133.
- 9.golabi f, alizadeh aghdam mb, aghayari hir t, zardmou ordaklou s. examining the relation between social and cultural capitals, and citizens' level of tolerance (case study: citizens of Mashhad). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences 2020; 16(2): 388-47.
- 10.Zamani T, Mohseni Tabrizi A, Shah Mohammadi AR. Interpretation of Social intolerance from the perspective of academic elites and the presentation of a theoretical model. Quarterly of Social Studies and Research in Iran 2020; 9(2): 393-421.
- 11.Zandi darehgharibi A, Behyan S, Esmaeili R. Investigating Social factors affecting social tolerance (Case study: Ethnic Groups Living in Ahvaz). Quarterly Journal of Social Development(Previously Human Development) 2021; 15(4): 215-50.
- 12.Beheshti SS, Rastegar. Sociological explanation of social tolerance and its dimensions among Iranian ethnic groups. Social Problems of Iran 2014; 4(2): 7-35.
- 13.Verkuysten M, Kollar R. Tolerance and intolerance: Cultural meanings and discursive usage. Culture & Psychology 2021; 27(1): 172-86.
- 14.Velthuis E, Verkuysten M, Smeekes A. The different faces of social tolerance: Conceptualizing and measuring respect and coexistence tolerance. Social Indicators Research 2021; 158(3): 1105-25.
- 15.Piri H, Niazi M. A Meta-analysis of studies on the relationship between social trust and social tolerance in Iran. Journal of Islam and Social Studies 2021; 9(33): 150-77.
- 16.Brown KM. Editor Aspects of Comparative Active Citizenship, the Australia and New Zeland. Third Sector Research Eight Biennial Conferences; 2006
- 17.Côté RR, Erickson BH. Untangling the roots of tolerance: How forms of social capital shape attitudes toward ethnic minorities and immigrants. American Behavioral Scientist 2009; 52(12): 1664-89.
- 18.Welzel C, Inglehart R, Klingemann HD. Human development as a theory of social change: a cross-cultural perspective. European Journal of Political Science 2003; 42(3): 341-79.
- 19.Olzak S. The dynamics of ethnic competition and conflict. Stanford University Press; 1994.

20. Bonacich E. A theory of ethnic antagonism: The split labor market. *Social Stratification, Class, Race, and Gender in Sociological Perspective*, Second Edition: Routledge; 2019; 555-68.
21. Christie DJ, Dawes A. Tolerance and solidarity. *Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*. 2001; 7(2): 131-42.
22. DeMontbrial T. Tolerance in international relations, in tolerance from yesterday to today, translated by maziar mohmini and mohammad reza sheikh mohammadi 1999.

Semantic Analysis of Social Intolerance and Violence in Yasuj City: Developing a Grounded Theory

Fattahpour E, Beheshti SS*, Moradi R

¹Department of Sociology, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Received Date: 19 Nov 2024 Accepted Date: 28 Dec 2024

Abstract

Background & aim: Social tolerance plays a key role in reducing tensions and creating sustainable peace. In ecosystems such as Yasuj city, which are in a traditional-modern dual situation, there are leading examples of violence and intolerance among the people. Therefore, it seems necessary to examine the factors affecting social intolerance and violence. Therefore, the purpose of the present study was to determine and analyze the meaning of social intolerance and violence in Yasuj city and ultimately develop a grounded theory in this regard.

Methods: The present descriptive-analytical study was conducted using a qualitative methodology and employing the Grounded Theory strategy. The research field comprised all specialists who are in some way exposed to instances of intolerance, such as local executive managers and consultants, legal experts, judges, law enforcement personnel, nurses, and academic specialists including sociologists, psychologists, and political scientists. Data were collected through semi-structured interviews with 24 of these specialists. The participants were selected with a focus on diversity in gender and expertise and were chosen using a purposive sampling method. Data analysis was conducted in three stages: open coding, axial coding, and selective coding. the data analysis procedure was structured such that each interview was initially analyzed immediately after its conduction, and subsequent interviews were performed based on this ongoing analysis. The criterion for sample size adequacy was theoretical saturation.

Results: The data analysis resulted in the identification of 201 concepts, 57 subcategories, 21 main categories, and one core category. The main categories identified as causal conditions included a deficit in social skills, the inefficiency of the legal system, economic and livelihood challenges, and a weakness in legal and civic culture. Contextual conditions also encompassed factors such as economic inequality, tribalism, a decline in social capital, and a deficiency in social and mental well-being. Intervening conditions were also identified, including factors such as humiliation during conflicts, emotional retaliation, and the inefficiency of organizations responsible for order and security.

Conclusion: Violence is systematically reproduced in the social and cultural structure of Yasuj society from past generations to new generations. Correspondingly, economic inequalities, inefficiency of the executive system, violence-oriented subculture and clan prejudices were among the most important factors that create a suitable environment for the spread of violence and social insecurity, and to solve them, fundamental reforms in social, economic and executive structures are needed.

Keywords: Social intolerance, Violence, Grounded theory, Yasuj.

***Corresponding author:** Beheshti SS, Department of Sociology, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Email: sbeheshty@yu.ac.ir

Please cite this article as follows: Fattahpour E, Beheshti SS, Moradi R. Semantic Analysis of Social Intolerance and Violence in Yasuj City: Developing a Grounded Theory. Armaghane-danesh 2025; 30(4): 589-610.

The scientific research journal Armaghan Danesh, affiliated with Yasuj University of Medical Sciences, is an open-access publication. All articles published in this journal